

استصحاب ۲

مثال ۱

یقین به وجود حیوان
در اتاق داشته باشد

بعد از
یک سال

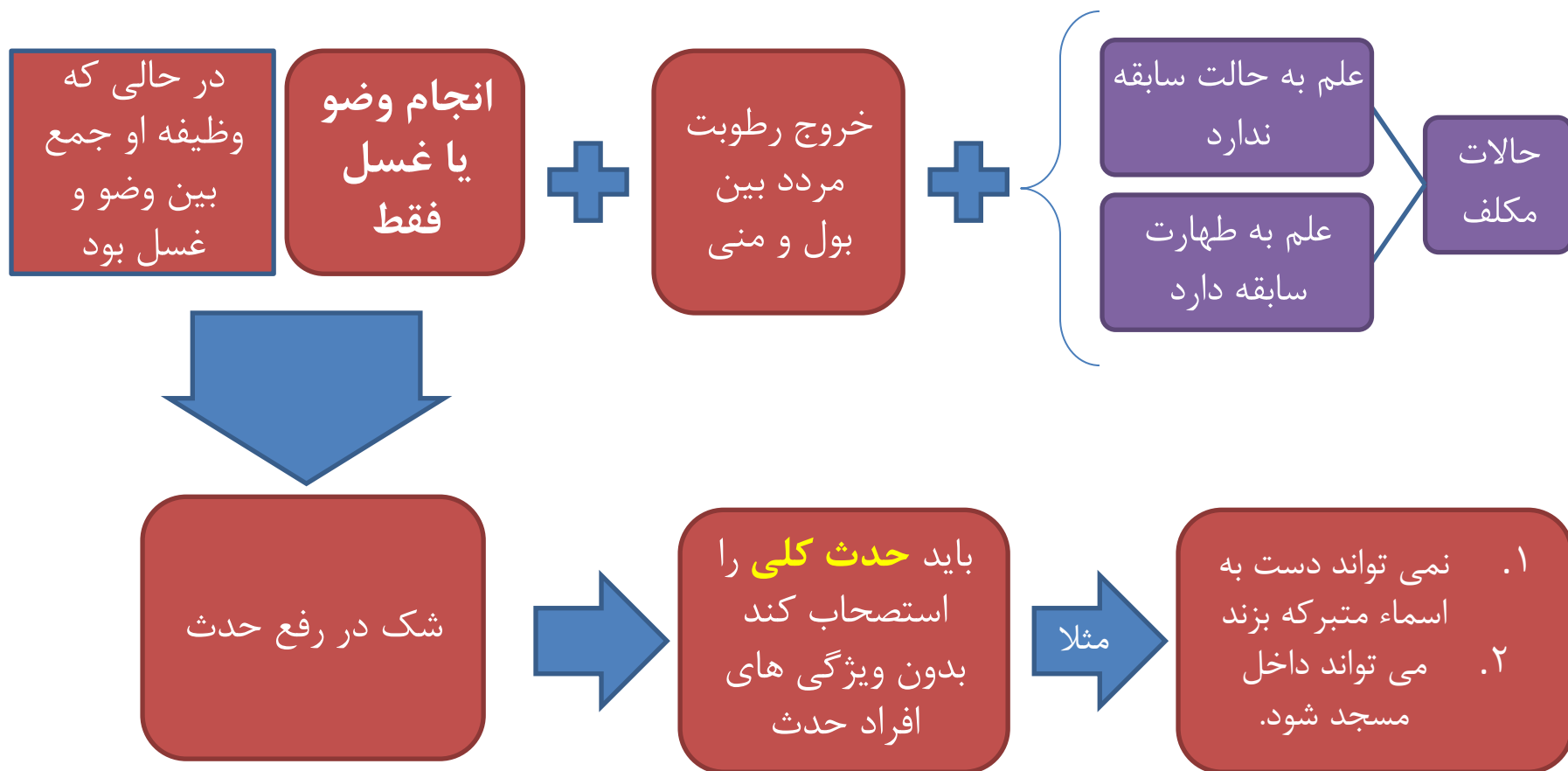
شک در بقاء حیوان کند به دلیل
شک در حیوان :
قصیر العمر (مانند پشه) است
یا طویل العمر (مانند لاک پشت)

۱. اگر نذر کرده معلق بر وجود
لاک پشت در اتاق می تواند
وفا نکند.
نکته: مگر آن که مخالفت قطعی با
علم اجمالی پیش بیاید

مثلا

باید **حیوان کلی**
را استصحاب کند
بدون ویژگی های
افراد حدث

مثال ۲



۱. شک در بقاء فردی که کلی در ضمن آن سابقاً به طور یقینی حاصل شده بود.

استصحاب هر کدام از کلی و فرد و ترتیب آثار شرعی آن جایز است. به دلیل وجود ارکان استصحاب (یقین سابق و شک لاحق)

گونه های شک در بقاء کلی

۲. منشأ شک در تردد فردی که در ضمن آن کلی پدید آمده، میان قصیر العمر (که اکنون یقیناً برطرف شده باشد) و طویل العمر (که اکنون یقیناً باقی شده باشد)

شک در مقتضی:
مثال پشه و لاک پشت

شک در رافع:
مثال منی و بول

میرزای قمی با استصحاب کلی در این قسم مخالف است

ارکان استصحاب تنها در استصحاب کلی موجود است نه فرد. پس استصحاب کلی جایز است. (قول مشهور)

اشکال ۱: کلی در ضمن فرد قصیر العمر یا طویل العمر است و وجودی مستقل ندارد. اولی مقطوع الارتفاع و دومی مشکوک الحدوث است و اصل عدم حدوث آن است. پس: شک در بقاء کلی نداریم بلکه یقین به ارتفاع آن (وجدانا+تعبداً) داریم و رکن استصحاب برقرار نیست.

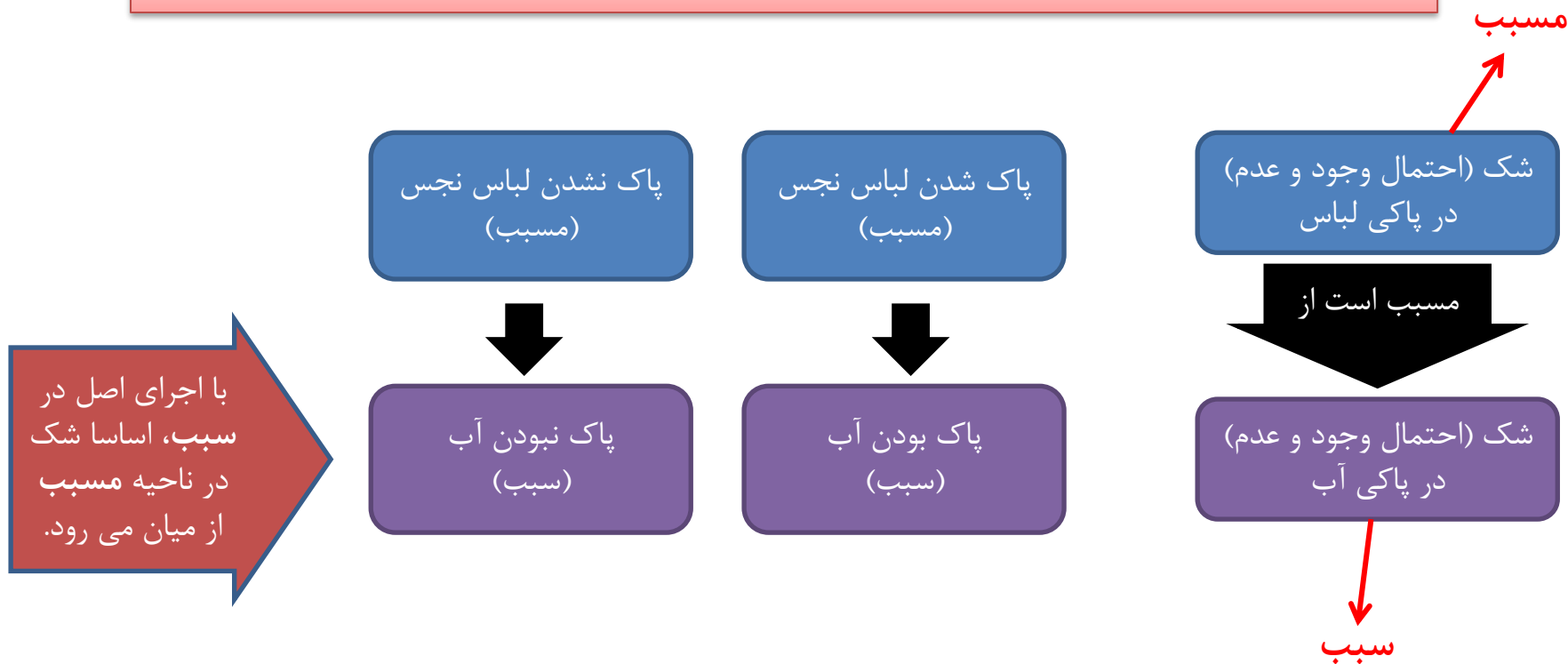
پاسخ: اشکال ناشی از خلط میان فرد و کلی است و ارکان استصحاب راجع به کلی موجود است.

اشکال ۲: صفحه بعد

۳. منشأ شک به خاطر احتمال وجود فرد دیگری مقارن با از بین رفتن فرد اول که کلی در ضمن آن پدید آمده

مقدمه ای برای اشکال ۲ در ص ۱۹۲ و ۱۹۳

قانون کلی: اجرای اصل در سبب بر اجرای اصل در مسبب مقدم است.



مستشکل: با اجرای اصل عدم در سبب، اساساً شک در ناحیه کلی حیوان از میان می‌رود.

شیخ: مشکل اجرای اصل در سبب، در جایی است که شک در سبب راجع به وجود و عدم یک چیز باشد ولی در اینجا شک در سبب مربوط به دو چیز است.

لذا با یکدیگر متعارض می‌شوند و پس از تساقط هر دو، اجرای اصل استصحاب در مسبب (کلی حیوان) بدون مانع می‌شود.

عدم کلی حیوان
(مسبب)



عدم حدوث مشکوک الحدوث (طویل العمر)
(سبب)

بقاء کلی حیوان
(مسبب)



حدوث مشکوک الحدوث (طویل العمر)
(سبب)

شک (احتمال بقاء و عدم) در کلی حیوان



شک (احتمال حدوث و عدم) در طویل العمر



مسبب



حدوث مقطوع الارتفاع (قصیر العمر)
(سبب)

حدوث مشکوک الحدوث (طویل العمر)
(سبب)

لازمه این سخن اختصاص اعتبار استصحاب به شک در رافع است در حالی که خود میرزا قائل به اعتبار استصحاب مطلقا است.

ملاحظه استعدادها و قابلیتها دشوار بوده و باعث پدید آمدن بی انطباقی در این نوع استصحاب می شود. چرا که:

۱. تعیین استعداد **شخص مستصحب** (فرد واقعی کلی) متعذر است چون علم بدان نداریم.
۲. ملاحظه **ابعاد اجناس** (مثلا: «ممکن») فایده ای ندارد چون مقدار متیقن استعداد آن بسیار کم است به گونه ای که درباره مستصحب، یقینی است.
۳. تعیین **اقرب اصناف** ممکن نیست چون علم بدان نداریم. (چون نمی دانیم فرد کلی در واقع کدام است تا اقرب اصناف بدان را در نظر بگیریم)
۴. تعیین **حد متوسط جنسها** نیز ممکن نیست به جهت دخالت جنبه های مختلف و متنوع و غیر قابل بررسی
۵. معیار اگر **ظن شخصی** نیز باشد درست نیست چون دلیل بر حجیت استصحاب، روایات است نه ظن؛ ضمن این که ظن معتبر، نوعی است نه شخصی

اشکالات شیخ بر این نظریه

گرچه استصحاب به طور مطلق (شک در مقتضی و شک در رافع) حجت است ولی:

استصحاب کلی در صورت شک در مقتضی (مانند

مثال حیوان نه مثال بول و منی) **جایز نیست.**

پس: باید از طریق ملاحظه غالب افراد مقدار استعداد برای امتداد آن کلی را به دست آورد و در صورتی که از نوعها یا صنفهای متنوع باشند باید دارنده اقل مراتب استعداد را در نظر گرفت.

نظر میرزای
قمی درباره
استصحاب
کلی قسم
دوم

به همین دلیل:

استصحاب نبوت پیامبران گذشته جایز نیست. چون نبوت، مردد میان **مقطعی** و **ابدی** است و در صورت شک باید مقطعی بودن را در نظر گرفت.